

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش در سالروز بیعت تاریخی همافران با امام خمینی (ره) در ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ (۱) - ۱۹ / بهمن / ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید؛ خرسندم و خدا را شاکرم که یک بار دیگر توفیق پیدا شد که در یک چنین روز مهمی که تحقیقاً از ایام الله است، شما برادران عزیز و زحمت کش و پیشرو را در اینجا زیارت کنم.

حادثه‌ی نوزدهم بهمن؛ یکی از شگفتی‌سازی‌های انقلاب اسلامی
حادثه‌ی نوزدهم بهمن ۵۷، یکی از شگفتی‌سازی‌های انقلاب اسلامی است که این شگفتی‌سازی‌ها، یکی دو مورد و صد مورد نیست؛ هزاران شگفتی‌سازی در طول این سالها دیده شده؛ [لکن] جزو اولین و مهم‌ترین‌هایش، یکی روز نوزدهم بهمن است. اینکه یک بخش مهمی از ارتش طاغوت، خودش را از بدنه‌ی ارتش جدا کند و بیاید اظهار تبعیت از امام و پیوستن به مردم بکند، حادثه‌ی خیلی مهمی بود؛ این [حادثه] موجب شد که کل بدنه‌ی ارتش به پیوستن به جمهوری اسلامی تشویق بشوند. و سران آن روز ارتش هم، وقتی واقعتاً را مشاهده کردند، ناچار در قبال انقلاب اظهار بی‌طرفی کردند؛ در حالی که بی‌طرفی آنها معنی نداشت؛ ارتش نظام طاغوت چطور میتواند در دفاع از نظام طاغوت بی‌طرف باشد؟ اما اظهار بی‌طرفی کردند؛ چاره‌ای نداشتند [چون] دیدند بدنه‌ی ارتش تقریباً به طور مجموع به مردم پیوسته است؛ این شبیه معجزه بود، واقعاً یک کار معجزه‌آسا بود. تکیه‌ی اصلی رژیم طاغوت به ارتش و ساواک بود؛ آنها با مردم که ارتباطی نداشتند، به مردم که متکی نبودند؛ تکیه‌ی اصلی [آنها] در خارج به آمریکا و در داخل به ارتش و ساواک [بود]؛ و همین تکیه‌گاه و همین نقطه‌ی امید شیاطین به یک عامل مهمی در زمین زدن شیاطین تبدیل شد؛ این معجزه است دیگر. واقعاً یکی از عوامل قدرتمند پیروزی انقلاب، همین پیوستن ارتش به مردم بود؛ اگر این [طور] نمیشد و میان مردم و ارتش درگیری به وجود می‌آمد، فجایعی رخ میداد. خود این پیوستن ارتش که با پیش‌قراولی نیروی هوایی اتفاق افتاد، موجب این شد که انقلاب بدون آن مشکلات عجیب و سنگین و غیر قابل محاسبه، بتواند پیروز بشود.

ناکامی کودتای آمریکایی‌ها در ابتدای انقلاب

البته آمریکایی‌ها تا لحظه‌ی آخر به ارتش امیدوار بودند؛ تصوّر آنها این بود که ارتش میتواند بایستد و یک کودتایی را طراحی کرده بودند - که شاید اینها را در بعضی از منابع دیده باشید، ولی این حرف، حرف قطعی و دقیقی است - که در ماه بهمن باید اتفاق می‌افتاد؛ این کودتا بایستی سران و پیشروان انقلاب را دستگیر میکرد و با مردم با خشونت ده‌ها برابر [کودتای] بیست و هشتم مرداد برخورد میکرد و همه‌ی موانع انسانی‌ای را که در مقابلش بود از سر راه برمیداشت؛ این طرح آمریکا بود. ژنرال هایزر معروف که آن روز جزو برجستگان آمریکایی مأمور در ناتو بود و مکرّر به ایران می‌آمد و میرفت، در خاطراتش این جور میگوید که ژنرال براون که وزیر دفاع آمریکا در دولت دموکرات آن روز بود - آن روز هم اتفاقاً دولت حاکم بر آمریکا مال حزب دموکرات بود - به این آقای هایزر مجوّز داده بود که حتی به قیمت کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم، مانع سقوط رژیم شاه بشود؛ یک چنین کودتایی بنا بود آنجا انجام بگیرد. خب یکی از چیزهایی که این نقشه‌ی شیطانی را باطل کرد، همین حرکت نیروی هوایی بود؛ یعنی این آمدن. شاید خود آن جوانهایی که آمدند و با امام بیعت کردند - که بنده آنجا شاهد بودم و از نزدیک آنها را دیدم - هیچ تصوّر هم نمیکردند که کار اینها این قدر حائز اهمیت است.

خطای محاسباتی آمریکا در ارزیابی وضع کشور، مردم، و ارتش
خب یک نکته‌ی قابل توجهی در این قضیه وجود دارد که برای امروز ما و برای فردای ما درس آموز است؛ و آن این است که آمریکایی‌ها در قضیه‌ی ارزیابی وضع کشور ما و مسئله‌ی ارتش و مسئله‌ی مردم، دچار خطای محاسباتی بزرگی شدند؛ این نکته‌ی مهمی است؛ خطای محاسباتی داشتند. امیدی که آنها به ارتش بسته بودند، ناشی از همین خطای محاسباتی بود که غافلگیر شدند؛ به خاطر همین اشتباه محاسبات، غافلگیر شدند. در همین اسنادی که بعد از سالها منتشر شده، اعتراف کردند که تا اندکی قبل از ماه بهمن ۵۷ هیچ برآوردی از سقوط شاه و سلسله‌ی پهلوی نداشتند؛ هیچ! بالاتر از این، پنتاگون تا چند روز قبل از بیست و دوم بهمن اعلام میکرد که امکان ندارد رژیم پهلوی سقوط کند؛ یعنی اینها این قدر در اشتباه بودند، در خطای عجیب محاسباتی بودند؛ میگفتند ارتش تسلط کامل دارد و امکان ندارد. البته ارتش ایران، برای آمریکایی‌ها از شخص شاه هم مهم‌تر بود؛ میگفتند شاه یک نفر است، حالا بمیرد، برود، بیاید، یک نفر دیگر را جایش میگذاریم لکن سازمان ارتش برایشان خیلی مهم بود و روی آن خیلی حساب کرده بودند؛ و همین ارتشی که برای آمریکایی‌ها این قدر مهم بود و روی آن کار کرده بودند و چهل هزار مستشار آمریکایی در همان روزها در ایران، در ارتش حضور داشتند، شد عامل شکست رژیم طاغوت و موجب نابودی امیدهای آمریکا در ایران که خدا در قرآن میفرماید: فَاتِيهِمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا؛ (۲) از آنجایی که خیال نمیکردند ضربه خوردند و سیلی خوردند.

ادامه‌ی خطای محاسباتی آمریکا در فتنه‌ی سال ۸۸ و قضیه‌ی تحریم
البته این خطای محاسباتی هنوز ادامه دارد، یعنی تا امروز هم آمریکایی‌ها در زمینه‌ی مسائل ایران دچار خطای محاسباتی‌اند و واقعاً دستگاه محاسباتی سیاسی‌شان کار نمیکند؛ نمیفهمند، مسائل ما را درک نمیکنند و ملت ما را نمی‌شناسند؛ ملت ایران را هنوز نمی‌شناسند و لذا پی‌درپی خطا میکنند. آمریکایی‌ها در قضیه‌ی فتنه‌ی ۸۸ خطا کردند، رئیس‌جمهور دموکرات آن روز آمریکا (۳) رسماً پشت سر فتنه‌ی ۸۸ ایستاد و از آن دفاع کرد، به خیال اینکه همه چیز را تمام خواهد کرد که خب خطای محاسباتی بود.

در قضیه‌ی تحریم هم همین جور است؛ با این تحریم‌های شدید و به اصطلاح بی‌سابقه و همه‌جانبه که خودشان میگفتند در تاریخ چنین تحریمی وجود ندارد و راست هم میگفتند، خیال میکردند ایران را از پا درمی‌آورند؛ خب محاسبات غلط بود دیگر؛ خطای محاسباتی بود و امید بیهوده‌ای داشتند. یکی از همان احمق‌های درجه‌ی اولی که یک وقتی در اینجا به آنها اشاره کردم، (۴) دو سه سال پیش گفته بود (۵) که «ما عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت»؛ امیدشان این بود که در عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ بساط [جمهوری اسلامی] جمع شده و آنها می‌آیند اینجا جشن بگیرند. حالا خود آن شخص که به زباله‌دان تاریخ رفت، رئیسش (۶) هم با لگد و با افتضاح از کاخ سفید اخراج شد و هر دو به زباله‌دان تاریخ رفتند [اما] جمهوری اسلامی بحمدالله سربلند ایستاده است.

عوامل موفقیت ما در مواجهه با دشمنان: حضور مردم در صحنه، اعتماد به وعده‌ی الهی، افزایش مؤلفه‌های قدرت ملی

خب، ساده‌انگاری نباید کرد. بله، دشمن در محاسبات خودش خطا میکند لکن ما باید مراقب باشیم که صرفاً معیوب بودن دستگاه محاسباتی دشمن نیست که ما را موفق میکند؛ باید کار کرد، باید تلاش کرد. حضور مردم در صحنه، ایمان مردم به لزوم حضورشان در صحنه، اعتماد به وعده‌ی الهی از سوی مردم و مسئولین، طراحي‌های متقابل، همه مؤثر است و مؤثر بوده. اگر امام بزرگوار هم در همان روزهای بیست و یکم بهمن و بیست و دوم بهمن، فرمان شکستن حکومت نظامی را نمیدادند، وضع جور دیگری میشد. با نشستن و تماشا کردن و به امید خطای دشمن ماندن کار پیش نمیرود؛ بایستی تلاش کرد، باید در میدان عمل حضور داشت، باید کار کرد، باید به خدا اعتماد کرد، باید

مجاهدت کرد، باید به طور دائم طرّاحی متقابل کرد؛ این وظیفه‌ی مسئولین است. مؤلفه‌های قدرت ملی را باید افزایش داد که یکی از آنها همین نیروهای مسلّح است و باید تولید قدرت کرد و این قدرت را در عمل هم بایستی نشان داد. لذاست بنده همواره تأکید کرده‌ام که باید نیروهای مسلّح مؤمن و مردمی‌مان را - که بحمدالله نیروهای مسلّح ما، [اعمّ از] ارتش، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، هم مؤمنند، هم مردمی‌اند- تقویت کرد؛ این یکی از وظایف مسئولین کشور است که البته این تقویت بایستی با نگاه به اقتضائات منطقه و بین‌الملل و پیدا کردن اولویّتها و تمرکز بر روی اولویّتها باشد که این حرف همیشه‌ی من با مسئولین نیروهای نظامی و مسئولین کشور بوده و هست.

لزوم تقویت نیروهای مسلّح به عنوان حافظان امنیّت ملی کشور در همه‌ی ابعاد مادی و معنوی خب خوشبختانه در این یکی دو ماه اخیر، هم ارتش، هم سپاه، هم وزارت دفاع توانایی‌های برجسته‌ای را در برابر چشم همه قرار دادند: هم مردم خودمان این رزمایشهایی را که انجام گرفت دیدند - شاید حدود ده رزمایش انجام گرفت- هم دنیا دید؛ چشمهای نگران ماهواره‌ها دیدند و تحسین کردند و بعضی‌ها اظهار تعجب کردند که واقعاً تحسین برانگیز هم بود؛ بخصوص در شرایط تحریم. دسترسی ما به اطلاعات، دسترسی ما به مواد، دسترسی ما به امکانات و تجهیزات خارج از کشور، کاملاً محدود است دیگر؛ در یک چنین محدودیّتی نیروهای مسلّح ما - چه وزارت دفاعمان، چه ارتشمان، چه سپاهمان- توانستند یک چنین کارهای بزرگی را انجام بدهند و به ظهور برسند. و این در واقع، عمل به دستور امیرالمؤمنین (علیه السّلام) است که ایشان در فرمان معروف به مالک اشتر فرمود: *فَالجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ*؛ بعد، در چند جمله‌ی دیگر: *وَسَبُلُ الْأَمْنِ*؛ (۷) نیروهای مسلّح مایه‌ی امنیّت ملی کشور هستند و چقدر افتخارآمیز است که یک کشوری بتواند امنیّت ملی خودش را به وسیله‌ی عناصر خودش، فرزندان خودش، نیروهای مسلّح خودش تأمین کند و منتظر دیگران نباشد. البته توجه داشته باشید که تقویت نیروهای مسلّح صرفاً با تجهیزات هم نیست؛ تجهیزات بخشی از کار است، سازمان‌دهی بخشی از کار است؛ بخش مهمّی از کار، روحیه و ایمان و قدرت معنوی در دلها است؛ تقویت نیروهای مسلّح یعنی همه‌ی اینها؛ [حتی] جنبه‌های معنوی.

خطای بزرگ برخی از کشورها؛ درخواست کمک از آمریکا برای تأمین امنیّت ملی

خطای بزرگ بعضی از کشورها این است که امنیّت ملی خودشان را از آمریکا میخواهند؛ خودشان چنین توانایی‌ای ندارند، چنین همّتی هم ندارند، چنین درک درستی هم از مسائل جهانی ندارند؛ هم خرج میکنند -هزینه میکنند، میلیاردها هزینه میکنند- هم تحقیر میشوند، هم [به آنها] توهین میشود و هم در عین حال در بزنگاه‌ها امنیّتشان تأمین نمیشود؛ در آن بزنگاه‌ها، همان کسی که به او امید بسته بودند، دستش را از پشت اینها برمی‌دارد. شما دیدید در قضایای چند سال قبل مصر و تونس و مانند اینها، با اینکه آن کسانی که آنجاها در رأس کار بودند، جزو وفاداران به آمریکا بودند، آمریکا دستش را از پشت اینها برداشت. در مقابل مردم، در مقابل حرکت مردم چه کار میتوانستند بکنند؟ محمدرضای پهلوی هم به یک معنا همین جور [شد]؛ وقتی که فرار کرد و از ایران بیرون رفت، مدّتی در آمریکا خواست بماند، آمریکایی‌ها بیرونش کردند؛ مجبور شد برود پاناما و اینجا و آنجا؛ آمریکایی‌ها او را نگه نداشتند؛ این همه برای آنها کار کرده بود و به آنها خدمت کرده بود و به آنها امید بسته بود! وقتی به دیگران امید ببندیم، این است؛ وقتی که به خودمان بباییم و به خودمان تکیه کنیم و از خدا کمک بخواهیم، امنیّت ملی را خودمان بخواهیم تأمین بکنیم، [نتیجه] این عزّتی است که بحمدالله جمهوری اسلامی از آن برخوردار است. خب بنابراین این خطای محاسباتی دشمن را که اشاره کردم، نکته‌ی مهمّی است.

مرعوب دشمن شدن یا امید به بیگانه؛ جزو خطاهای بزرگ این خطای محاسباتی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و در زمینه‌ی سایر امور هم وجود دارد؛ به این باید توجه داشته

باشیم و از آن استفاده کنیم. ما باید مراقب خطای خودمان هم باشیم، خودمان هم بایستی مواظب اشتباهاتمان باشیم. من به یکی از اشتباهاتی که ممکن است کسانی در بین ماها بکنند، اشاره میکنم و آن، این است که ما مرعوب قدرت دشمن بشویم؛ این خطای بزرگی است، این جزو خطاهای ما است؛ یا امید به او ببندیم؛ با همین وضعی که داریم، در یک بخشی از کارهایمان - چه مسائل اقتصادی، چه مسائل سیاسی و بین‌المللی - چشم امید به بیگانه داشته باشیم؛ آن بیگانه‌ای که بنایش بر تجاوز است، بنایش بر غارتگری است، بنایش بر دخالت کردن است؛ این خطای بزرگی خواهد بود. البته من به هیچ وجه نمیخواهم توصیه کنم که به نیروی درونی خودمان با چشم مبالغه نگاه کنیم؛ نه، واقعیت را ببینیم، سعی کنیم آن را ارتقاء بدهیم؛ اما بشدت توصیه میکنم که با هر توانی که داریم، نباید مرعوب دشمن بشویم. اگر مرعوب شدیم، از کار می‌افتیم.

افول آمریکا از لحاظ آبرو، قدرت و انتظام اجتماعی و این کسانی که تصور غیر واقعی از توانایی‌های آمریکا و بعضی از قدرتهای دیگر دارند، بایستی به واقعیات درست توجه کنند. هیاهوی قدرتهای جهانی زیاد است و با همین هیاهو بزرگ‌نمایی میکنند [اما] واقع قضیه این نیست. حالا در همین قضایای اخیر که در آمریکا اتفاق افتاد، [یعنی] این مسئله‌ی سقوط ترامپ با این وضع مفتضح و حوادثی که حول و حوش این قضیه اتفاق افتاد (۸) - که چیزهای کوچکی نیست - این افول یک رئیس‌جمهور ناباب نبود؛ افول آبروی آمریکا بود، افول قدرت آمریکا بود، افول انتظام اجتماعی آمریکا بود؛ این را من نمیگویم، این را خودهایشان گفتند؛ صاحب‌نظران برجسته‌ی سیاسی‌شان اعلام کردند که نظام آمریکا از درون پوسیده است؛ این را خود آمریکایی‌ها در این قضایای اخیر گفتند؛ گفتند نظام اجتماعی آمریکا از درون پوسیده است؛ خیلی حرف بزرگی است؛ بعضی‌های دیگر گفتند که دوران پسا آمریکا آغاز شده است؛ اینها حرفهای آنها است. خب، واقعیت قضیه این است. البته از لحاظ اقتصادی هم مشکل دارند اما مشکل عمده‌ی آنها از لحاظ انتظام نظام اجتماعی و نظام سیاسی آنها است که نشان‌دهنده‌ی این است که بکلی متزلزلند.

مستور نگه داشتن افول آمریکا، به کمک امپراتوری خبری اگر این حادثه‌ای که در آمریکا اتفاق افتاد، در هر نقطه‌ی دیگر دنیا، بخصوص در کشورهایی که با آمریکا خیلی میانه‌ای ندارند اتفاق می‌افتاد، مگر به این زودی رها میکردند؟ لکن حالا امپراتوری خبری دنیا بیشتر در اختیار خود آنها است، سعی میکنند قضیه را مستور نگه دارند و تمام کنند و سر و تهش را به هم بیاورند؛ اما قضیه تمام شده نیست؛ قضیه، خیلی قضیه‌ی مهم و دنباله‌داری است. آمریکا واقعاً افول کرد و برای همین است که دولتهای وابسته‌ی به آمریکا در منطقه دستپاچه‌اند، سراسیمه‌اند؛ بخصوص رژیم صهیونیستی. این یاوه‌گویی‌هایی که اخیراً می‌شنوید سران رژیم صهیونیستی می‌گویند، بیشتر ناشی از ترسشان است، ناشی از سراسیمگی و اضطرابشان است به خاطر آنچه در آمریکا اتفاق افتاده. البته آنها درست هم فهمیدند؛ دنیا در این زمینه شاهد و ناظر است که آمریکا، هم در محیط داخلی خود و هم در محیط بین‌المللی افول کرده.

اجازه نداشتن آمریکا و سه کشور اروپایی برای شرط گذاشتن برای ادامه‌ی برجام و اما در قضیه‌ی تحریمها؛ خب، امروز در دنیا حرف و حدیثهایی هست؛ هم اروپایی‌ها یک چیزهایی می‌گویند، [هم] آمریکایی‌ها یک چیزی می‌گویند. اولاً در جمهوری اسلامی هیچ کس گوشش بدهکار مَهمل‌گویی‌های مدعیان بدون استحقاق - حالا چه در اروپا، چه در آمریکا - نیست؛ حرفهای مَهملی می‌زنند؛ کسی گوشش بدهکار حرفهای آنها نیست. ثانیاً اگر بخواهیم منطقی و مستدل صحبت بکنیم، آمریکا و سه کشور اروپایی که همه‌ی تعهدات برجامی را زیر پا گذاشتند، دیگر حق ندارند برای برجام شرط و شروط تعیین کنند. آنها به تعهدات برجامی‌شان هیچ عمل نکردند؛ یک برهه‌ی بسیار کوتاهی در اول کار بعضی از تحریمها را - نه همه‌ی تحریمها را - موقتاً تعطیل کردند، دوباره برگشتند و بعد تحریمها را افزایش هم دادند؛ شاید دو برابر، سه برابر تحریمها را زیاد هم کردند. بنابراین آنها

حق ندارند در این زمینه شرط و شروط معین کنند.

سیاست قطعی جمهوری اسلامی در مورد برجام: لغو همه‌ی تحریمها توسط آمریکا و راستی‌آزمایی آن توسط ایران؛ و آنگاه برگشت ایران به تعهدات برجامی آن طرفی که حق دارد برای ادامه‌ی کار برجام شرط معین کند ایران است. علت هم این است که ایران از اول به تمام تعهدات برجامی خودش عمل کرد، جمهوری اسلامی به تمامی تعهدات برجامی عمل کرد؛ آنها نقض کردند. ما حق داریم برای ادامه‌ی برجام شرط بگذاریم و این شرط را هم گذاشتیم و گفتیم و هیچ کس هم از آن عدول نخواهد کرد؛ و آن این است که اگر میخواهند ایران به تعهدات برجامی - که چند تعهد آن را لغو کرده - برگردد، باید آمریکا تحریمها را کلاً لغو بکند؛ آن هم نه به زبان و روی کاغذ که بگوید لغو کردیم؛ نه، بایستی در عمل تحریمها را لغو کنند و ما راستی‌آزمایی کنیم و احساس کنیم که درست تحریمها لغو شده، آن وقت ما هم به این تعهدات برجامی برمیگردیم؛ این سیاست قطعی جمهوری اسلامی است و مورد اتفاق مسئولان کشور هم هست و از این سیاست بر نخواهیم گشت.

اتحاد کلمه‌ی مسئولین و ملت؛ عامل از بین رفتن بسیاری از مشکلات توصیه‌ی مؤکد اینجانب اتحاد کلمه است؛ مسئولین کشور و دست‌اندرکاران مسائل عمده‌ی کشور اتحاد کلمه داشته باشند؛ ملت عزیزمان، اتحاد کلمه‌شان را حفظ کنند. بحمدالله همین اتحاد کلمه‌ی ملت ایران توانسته است بسیاری از مشکلات را از پیش پا بردارد؛ بعد از این هم بایستی این اتحاد کلمه وجود داشته باشد، مسئولین هم هماهنگ و هم‌صدا با هم حرکت بکنند، نیروهای مسلح هم به وظایف مهمی که دارند و میدانند [عمل کنند] و به معنای واقعی کلمه ان‌شاءالله به تولید قدرت ادامه بدهند. مطمئناً به لطف پروردگار و به دعای ولی عصر (ارواحنا فداه)، فردای ملت ایران و کشور ایران از امروز بمراتب بهتر و بالاتر است. امیدواریم خداوند برکات خون شهدا را همواره شامل حال این ملت بدارد و روح مطهر امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که در سالروز بیعت تاریخی همافران نیروی هوایی ارتش با حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) برگزار شد - سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.

۲) سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲

۳) باراک اوباما

۴) بیانات در دیدار مردم قم، در سالروز قیام نوزدهم دی (۱۳۹۷/۱۰/۱۹)

۵) جان بولتون (مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا)

۶) دونالد ترامپ (رئیس جمهور سابق آمریکا)

۷) نهج البلاغه، نامه ی ۵۳

۸) اشاره به حمله ی هواداران ترامپ به ساختمان کنگره ی آمریکا در پی نتیجه ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا